



پاکدلان خدا را خواهند دید - ۲

آیا دل پاک و کامل داشتن امکان پذیر است؟

زبور ۱۰۱: ۱-۲

متی ۵: ۴۸

کولسیان ۴: ۱۲

درسهای شناخت خویش در مسیح، به ما یاد دادند که ما در مسیح پاک، مقدس و عادل شمرده شده ایم. به معنای دیگر واژه، شما نمیتوانید عادلتر و مقدستر از این که هستید شوید. قربانی عیسی، یک قربانی کامل بود. قربانی که تا به ابد کافی بود. با این وجود کتاب مقدس باز هم از ما میخواهد که کامل باشیم. آیا ممکن است؟

آیا میتوانیم پاک و کامل باشیم؟

عبرانیان ۷: ۱۸-۱۹

عبرانیان ۹: ۹-۱۰

این دو قسمت از کتاب به ما می آموزند که پیروی از شریعت و قربانی دادن برای بخشش گناهانمان، در نهایت نمیتوانند ما را پاک و کامل کنند. مشخص است که اطاعت کامل از شریعت خدا برای ما انسانها غیر ممکن است. به همین خاطر کاهنان هر دفعه در معبد قربانی میدادند تا پاک و خالص شوند.

پس راه و چاره برای پاک و کامل شدن چیست؟

عبرانیان ۷: ۲۸

عبرانیان ۱۰: ۱۴

کولسیان ۱: ۲۸

عیسی کاری انجام داد که هیچوقت هیچ انسانی قادر به انجام آن نبوده. یعنی او عالی و کاملاً بر طبق قوانین خدا زندگی کرد. ولی این تمام ماجرا نیست. او بخاطر رابطه زنده ای که با پدر داشت صدای خدا را میشنید و کاری که پدر از او میخواست را انجام میداد. عیسی تا حدی پیش رفت که به وسیله قربانی کامل و عالی بر قدرت گناه، شریر و مرگ پیروز شد. دیگر هیچوقت احتیاجی به قربانی نبود.

عیسی کامل بود و قربانی کامل را داد. یک بار و برای همیشه.

حالا این برای ما چه معنایی دارد؟

کولسیان ۲: ۸، ۹، ۱۰

عبرانیان ۱۰: ۱۴

عیسی پیش از ما به سمت کمال رفت. الان او و در نتیجه کمالش نیز در ما زندگی میکند. ما هرگز به کمال نرسیدیم، بلکه او در ما اینکار را انجام داد. تمامی دانش و حکمت در او است. از طریق ماندن در او، این دانش و حکمت در ما شکل خواهد گرفت.

فرهنگ عیسی در ما آمده است.

مثال

دنیايي که من در آن زندگی میکردم بسیار کوچک بود. من هلند را میشناختم. گهگاهی هم با ماشین به کشورهای دیگر مسافرت میکردم و فرهنگ آنها را میدیدم. بیشتر این فرهنگها البته مشابه به فرهنگ هلند بود. ولی خدا برنامه دیگری برای زندگی من داشت. یعنی سفر به قاره ها و کشورهای دیگر که فرهنگهایی متفاوتی داشتند. من درباره این فرهنگها فقط

از طریق چند فیلم و کتاب مقداری اطلاعات کسب کرده بودم. به هیچ ترتیبی نمیتوانستم به آن نقاط دنیا بروم، به جز اینکه باید جرات به خرج میدادم و با هواپیما سفر میکردم. باید کاری میکردم که برایم بسیار سخت بود، در واقع قرار دادن زندگی در دستان خلبانها و تکنسینها، که کشف کرده بودند که میتوان پرواز کرد. افرادی که دانش و حکمت زیادی داشتند برای به پرواز در آوردن این وسیله، راندن آن به سوی مقصد و از همه مهمتر به سلامت بر زمین نشاندن آن. واقعاً که چه دانشی لازم است تا بتوان قادر به چنین کاری بود! ولی فکر کنید به پیشگامانی که در این راه قربانیان بسیار به جا گذاشتند. افرادی که اولین پروازها سقوط کردند.

همسر خیلی شجاع تر از من بود. ولی در نهایت من هم به سفر با هواپیما راضی شدم. بخاطر این تصمیم بود که پا به قاره آفریقا گذاشتم. چه تفاوت فرهنگی ای، چه دنیای متفاوتی. هواپیما من را به آن مقصد رسانده بود بدون اینکه من توانایی و دانش راندن هواپیما را داشته باشم. این برای من ثروتی به همراه آورد که هرگز قدرت درکش را نداشتم. ثروت فرهنگی و قومهای مختلف که ما در دنیای غرب نمیشناسیم. با عیسی هم به همین منوال است. در او بودن، یعنی یادگیری اعتماد کردن به او. سکان زندگی خود را به دست او دادن. قربانی کامل او ما را نیز برای خدا کامل میسازد. از این طریق ما وارد پادشاهی خداوند میشویم، دنیایی که تنها به وسیله اعتماد کردن به عیسی و قربانی او میتوان واردش شد.

در متی ۵ : ۸، ۴۸ عیسی یک بذر مهم از پادشاهی خدا به ما میدهد. او به شاگردان خود میگوید که کامل باشند، چنان که پدر آسمانی کامل است.

این فرهنگی است که در آن پادشاهی ثمره می آورد.

سوال بزرگ این است: آیا می توانید کامل باشید؟ در واقع منظور از این چیست؟

کولسیان ۱ : ۲۸، ۳ : ۱۴ و ۴ : ۱۲

در اینجا می بینیم که پولس از کامل بودن سخن میگوید. اینجا با یکی از تضادهای پادشاهی خدا مواجه میشویم. ما در مسیح کامل هستیم ولی با این وجود عیسی ما را تشویق به کامل بودن میکند.

در زندگی داود می بینیم که خدا او را بخاطر دلش انتخاب میکند. در این درس دیدیم که داود مرد پاک و کاملی نبود. با این حال می بینیم که خدا دائماً او را انتخاب میکند. در زندگی داود یاد میگیریم که خدا ۳ خصوصیت را میپسندد. اینها ارزشهای زندگی هستند که به ما کمک میکنند تا در کمال بمانیم و زندگی کنیم.

سه مشخصه قلب کامل

الف) شفاف

کتاب مقدس در مورد قلب داود چه میگوید؟

مزامیر ۱۳۹ : ۲۳، ۲۴

اول تواریخ ۲۸ : ۹

پولس در مورد نقش روح القدس چه میگوید؟

اول قرنتیان ۲ : ۱۰

در این سه قسمت از کلام، قسمتی از وجود خدا را می بینیم. خدا ما را به طور کامل میشناسد، به خصوص دل ما را که عمیقترین اشتیاقات و افکار ما در آن نهفته است. در زندگی داود می بینیم که او علیرغم ضعفهایش از روح خدا میخواهد که اعماق دلش را بجوید تا ببیند که آیا راههایی به غیر از راه خدا در آن وجود دارد یا خیر؟ او این درخواست را دارد چونکه میخواهد آنگونه زندگی کند که خدا میخواهد

«دل مرا تفتیش کن ای روح القدس»، دعائیست که جایش در پادشاهی خدا است. رو راست بودن با خودتان، رو راست بودن با خدا و اطرافیان تان، زمانی بوجود می آید که جرات نگاه کردن به اعماق دلتان را داشته باشید. داود به اشتباهات خودش واقف بود، او بلافاصله به صحبت‌های نبی واکنش نشان داد.

اول یوحنا ۱: ۵-۹

یک دل کامل به این معنی نیست که شما به عنوان یک مسیحی ادامه زندگیتان را صد فیصد بدون گناه بگذرانید. بلکه به این معنی است که اگر مرتکب گناه شدید آن را بلافاصله در نور بیاورید. این کار انتخاب دل شما است.

در طول دوره های شاگردسازی مان، کنفرانسهایی به نام کنفرانس ملاقات با خدا داریم. در این کنفرانسها همیشه یک زمانی در نظر گرفته میشود تا افراد این امکان را داشته باشند که با درد ها، غمها و حتی گناهان قدیمی خود به پای صلیب بروند. هر دفعه حیران میشوم از اینکه چطور مردان و زنان به راحتی و در صداقت از گناهان خود توبه میکنند. گاهی اوقات اعترافاتشان مربوط به ۱۰ یا ۲۰ سال پیش میشود. ولی زمانی که این مسائل در نور می آیند، بلافاصله فیض خداوند را بر این افراد میتوان دید. بخشش و فیض مانند یک معجزه وارد قلب مردم میشود. از طریق شفاف شدن برای خدا و انسانها میبینید که چطور بارهای سنگین ناپیدا اغلب با اشک ریختن ولی گاهی نیز با خندیدن، از روی دوش این افراد برداشته میشود. گناه کرده بودند، ولی حالا بخشیده شده اند.

ب) اعتماد

داود در شرایط سخت چه واکنشی نشان میدهد؟

زبور ۲۵: ۲

دوم سموئیل ۵: ۱۷-۱۹، ۲۲-۲۳

یوحنا ۱۴: ۱

غلاطیان ۳: ۶

عیسی مرتباً به شاگردان نشان میدهد که او هم مثل داود، یک اعتماد بسیار عمیق به خدای پدر دارد. عیسی در هر شرایطی، هرچند سخت و خطرناک، انتخاب میکند که تمام اعتمادش بر آنچه که خدا به او نشان میدهد باشد. به طور مثال زمانیکه عیسی مرد بیماری را میبیند، با اعتماد کامل میگوید که خدای پدر قدرت شفا میبخشد.

همچنین در پایان عمر خود، به شاگردان میگوید که زمان موت فرا رسیده. عیسی از اتفاقاتی که در اورشلیم در انتظارش بود آگاه بود. ولی پا به فرار نگذاشت، بلکه با رنجهایش روبرو شد. او تحت هیچ شرایطی اعتمادش به خدا را از دست نداد.

شاگردان چه درسی از رفتار عیسی می گیرند؟

اعمال ۴: ۱۳-۳۱

عیسی فرهنگ اعتماد به خدا را پایه گذاری کرد. او به این راه تا پایان عمر خود ادامه داد. میبینیم که شاگردان نیز دقیقاً همین اعتماد را به خداوند داشتند.

سالیان گذشته شروع به سفرهای زیاد به روسیه مخصوصاً به قزاقستان کردم. آنجا با آقایی به نام بایکال آشنا شدم. بلافاصله من را به یاد شهامت اولین شاگردان مسیح انداخت. در آن زمان پلیس بسیار فعالته به دنبال دستگیری مسیحیان بود. ولی بایکال با تیم جوان خود با اعتماد کامل به خیابانها میرفت تا آشکارا پیام انجیل را به مردم بدهند. دفعات مختلف به پاسگاه پلیس برده شد. ولی با این حال به انجام آنچه که روح خدا به او نشان میداد، ادامه میداد.

ج) افتادگی

برای خداوند چه چیزی مهمتر از قربانی است؟

مزمور ۵۱: ۱۷

داود مرتکب گناه شده بود؛ زنا و قتل. داود این مزمور را بلافاصله بعد از تولد کودکی که حاصل این زنا بود مینویسد. او در عزای اعمالش نشست. به این موضوع پی برده که خدا را ناراحت کرده. داود بخاطر گناهش میگرید، و در عین حال وارد عمل هم میشود. یک دل شکسته نه تنها آسیبی که نتیجه گناه است را میبیند بلکه خدای امید، شفا و بهبودی را نیز میبیند. اعتماد کردن به فیض خدا و مسئولیت پذیرفتن در قبال اشتباه خود.

چند سال پیش با آقای آشنا شدم که در گذشته اش روابط نامشروع داشت. روح خدا با او شروع به کار کرد و او را به سمت بخشش و بهبودی هدایت کرد. زمانی که برای اولین بار داستانش را برایم تعریف کرد در مقابلم یک مرد شکسته نشست. انگار که دنیای امن او واژگون شده بود. ولی زمانی که صحبت از فیض و بخشش بود. ولی زمانی که صحبت از فیض و بخشش شد، در چشمانش نور امید را نیز دیدم.

وقتی از او خواستم تا در مقابل همسرش شفاف باشد، دیدم که مرد به شک افتاد. ولی روح آنچنان او را ملزم به اعتراف به تمام کارهایش میکرد. این جریان چند هفته ای زمان برد. این مرد تازه به خدا اعتماد کرده بود. ولی نمیخواست که همسرش او را ترک کند. این اتفاقی بود که حتما در پی اعترافات او رخ میداد. این حرف را زنش در گذشته به او زده بود. با این حال به خدا و راه کارهایی که به او داده بود اعتماد کرد. حالا پس از گذر سالیان، همواره در کنار یکدیگرند و همدیگر را خیلی دوست دارند.

د) تکلیف

از روح القدوس بخواهید که پس از گذراندن این درس چه چیزی به شما میخواهد بگوید. آیا افکار خاصی شما را به خود مشغول کرده اند؟

زمانی برای خود بگذارید و آنچه در باره کمال و پاکی به فکرتان رجوع میکند را بنویسید. پس شما بر حسب کارهایتان به کمال نخواهید رسید، بلکه اعتماد به اینکه شما در مسیح پاک و کامل هستید. زندگی با او و در او به شما کمک میکند تا در کاملیت زندگی کنید. از روح القدوس بخواهید که شما را در این راه یاری کند.

با سرگروه خود درمورد بخش اول این درس و سوالات مربوط به آن چهار داستان صحبت کنید. همینطور نگاه کنید که چه چیزی درمورد متی ۵: ۴۸ نوشته اید و تصمیمی که درمورد این آیه گرفته بودید چیست؟

زمانی که درمورد زندگی داود مطالعه میکنید وضعیت دل او را بررسی کنید. آیا زمانهایی بوده که روح القدس چیزی درمورد قلب خودتان به شما بیاموزد؟ درموردش با سرگروهتان صحبت کنید.

اصل سی و ششم

عیسی پیش از ما به سمت کمال رفت. الان او و در نتیجه کمالش نیز در ما زندگی می کند. ما هرگز به کمال نرسیدیم، بلکه او در ما اینکار را انجام داد. یک قلب کاملی که می تواند اعتماد کند، برای خدا شفاف و شکسته می باشد.

